

بازشناسی مفهوم زیست پذیری با تاکید بر ارتقاء ساختار فضایی - کالبدی (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر رشت)

میرنوید میرحق جو^{۱*}، شادی پاکزاد^۲، وحید بیگدلی راد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده:

امروزه مراکز شهری در اثر مسائل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، کالبدی به یک مکان با مشکلات گوناگون تبدیل که زندگی در آن دشوار و فرسودگی آن علاوه بر موضوع کالبدی یک فرآیند اقتصادی و اجتماعی نیز می باشد. این پژوهش با هدف بازشناسی مفهوم زیست پذیری تلاش نموده وضع موجود بخش مرکزی شهر رشت را بررسی، ویژگی و صفات آن را مطالعه و با توصیف منظم وضعیت فعلی آن، دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن و شرایط زیست پایدار را تبیین و شهری انسان محور و قابل زیست را برای همه ساکنان آن ترسیم نماید. روش تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت علمی با مطالعات گسترده کتابخانه ای و میدانی می باشد. هدف کلی پژوهش شناخت و تحلیل وضعیت موجود زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت و درک علل، فرایندها و زمینه های موثر بر وضعیت زیست پذیری و ارتقاء ساختار فضایی و کالبدی است. براساس یافته های پژوهش و تحلیل داده ها میزان میانگین موجود ابعاد زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت از میانگین مفروض پایین تر است. بعد اجتماعی با میانگین ۲/۴۶ از وضعیت مطلوبتر و بعد زیست محیطی با میانگین ۲/۰۸۴ وضعیت بحرانی تری نسبت به ابعاد دیگر را دارا می باشد. بر اساس نظرات خبرگان، متخصصان و مدیران شهری تاثیر عوامل کلان زیرساخت و خدمات شهری با میانگین ۳/۶۳ بیشترین و عوامل کلان زیست محیطی با میانگین ۳/۱۰ کمترین تاثیر را بر زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت دارد. همچنین شاخص اجتماعی با میانگین ۳/۹۵ بیشترین و شاخص اقتصادی با میانگین ۳/۷۲ کمترین مطلوبیت را برای سنجش زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت را دارند. آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر مستقل ابعاد سه گانه زیست پذیری و متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد. بتحلیل مسیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته نشان داد متغیر زیست محیطی با ضریب ۰/۶۲۵ بیشترین و متغیر اقتصادی با ضریب ۰/۴۱۱ کمترین تاثیر بر ساختار فضایی-کالبدی محلات بخش مرکزی شهر رشت دارد.

واژگان کلیدی:

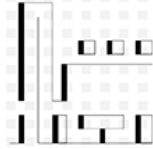
زیست پذیری شهری، بخش مرکزی شهر، محله، ساختار فضایی-کالبدی.

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (مسئول مکاتبات).

۲- استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۳- دانشیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

- پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با موضوع «تبیین الگوی زیست پذیری با تاکید بر ارتقاء ساختار فضایی کالبدی، نمونه موردی بخش مرکزی شهر رشت» می باشد که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شده است



۱. مقدمه

یکی از اساسی ترین مسائل شهری در حال حاضر شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی در بخش مرکزی شهرهاست. مراکز شهری، محل شکل گیری هسته اولیه هر شهر می باشد که لایه های بیرونی و پیکره شهر به تدریج و در طی زمان در اطراف آن تکوین یافته است. مشکلات بافت قدیمی شهر، از جمله بالا بودن هزینه تعمیر و نگهداری، عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری، فقدان یا نقص سامانه های ارتباطی، پایین بودن درآمد ساکنان، رشد و تداوم بیکاری و... می باشد. هر چند توسعه شهری سبب شده هسته مرکزی شهرها تا حدی اهمیت خود را به نفع مراکز جدید از دست بدهند اما این مراکز اهمیت تاریخی فرهنگی و هنری و شهرسازی خود را از دست نداده اند. رشت از جمله شهرهایی است که به علت وجود آثار با ارزش تاریخی در بافت قدیم و همچنین وجود رودخانه های زرجوب و گوهررود قابلیت پیشرفت و توسعه را دارا است. تفاوت قابل ملاحظه ای به لحاظ وضعیت اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و... در بین محله های بخش مرکزی شهر وجود دارد در نتیجه زیست پذیری و شرایط زندگی از یک محله به محله دیگر متفاوت است. بنابراین زیست پذیری محله ها عنصری حیاتی برای شکوفایی و توسعه شهرهاست و از محله های زیست پذیر می توان به شهر زیست پذیر دست یافت. راهکار اجرایی این طرح جهت بازگشت حیات مجدد به بافت، الگوی توسعه پایدار والگوی توسعه درون زای شهری است. با امان نظر به قلمرو مکانی تحقیق حاضر که بخش مرکزی شهر رشت است و مسائل آن همچون خروج جمعیت و نرخ رشد منفی این بخش نسبت به دهه های گذشته، بافت فرسوده و روبه زوال و عدم نوسازی بنا، نامنی، مشکلات ترافیکی و دسترسی نامناسب و...، زیست پذیری به عنوان زیرمجموعه ای از نظریه توسعه پایدار در این تحقیق مورد توجه است. نظریه زیست پذیری شهری تمامی شرایط توسعه پایدار شهر را در بر می گیرد اما با این تفاوت که شهر زیست پذیر در اکنون اتفاق می افتد و در نهایت منجر به پایداری شهری در طول زمان می شود. مساله اساسی پژوهش حاضر این است که، بخش مرکزی شهر که زمانی مهمترین محلات اصلی و حیاتی شهر را در بر داشته، چرا و طی چه فرایندی و تحت تاثیر چه عواملی دچار افت، زیست پذیری شده اند؟ هدف کلی شناخت و تحلیل وضعیت موجود زیست پذیری در محلات بخش مرکزی شهر رشت و درک علل، فرایندها و زمینه های موثر در رابطه با ارتقاء وضعیت زیست پذیری و بهبود ساختار فضایی کالبدی می باشد. در این پژوهش به الویت بندی شاخص های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، و جمعیتی، مرتبط با زیست پذیری هسته مرکزی شهر رشت و طبقه بندی بر مبنای وضعیت موجود پرداخته می شود تا در نهایت اهمیت مطلوب و عدم مطلوب بودن هر محله مشخص گردد.

۲. پیشینه پژوهشی

گسترش ایده زیست پذیری را می توان آمریکا دانست. واژه شهر زیست پذیر برای اولین بار در ۱۹۷۰ توسط بنیاد ملی هنر آمریکا به منظور دستیابی به ایده برنامه ریزی شهری مدنظر آنان، که مطالعات گسترده ای در خصوص زیست پذیری شهرهای آمریکا انجام گردید، مطرح شد. در اروپا مطالعات مرتبط با ارائه تعریف در خصوص شهر زیست پذیر حداقل به ۱۹۷۵ باز می گردد، زمانی که مجله Landscape مجموعه ای از مقالات کوتاه متخصصان و دانشگاهیان را در خصوص ایجاد شهرهای زیست پذیر منتشر کرد. در ادبیات پژوهشی داخلی نیز زیست پذیری شهر، به عنوان یکی از نوین ترین مباحث در تئوری های اخیر شهرسازی و برنامه ریزی شهری مطرح و از ۱۳۸۹ بدان توجه شده است (حیدری، ۱۳۹۵، ص. ۱۱). طرفداران زیست پذیری در کار خود از نوشته های صاحب نظران شهری و انسان گرای قدیمی تر قرن بیستم مانند لوتیس مامفورد، ویلیام اچ ویت، جین جاکوبز و برنارد رودوفسکی الهام می گیرند (ام ویلر، ۱۳۹۳، ص. ۲۴).

۲-۱- مرور برخی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش

- ریحانه مهره کش و دیگران در مقاله سال ۱۴۰۱ با عنوان شناسایی شاخص های مؤثر در زیست پذیری محلات شهری (مطالعه موردی محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهر اصفهان) بیان نموده پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر مبنای ماهیت توصیفی تحلیلی که با ترکیبی از روش های تحقیق کیفی و کمی انجام گرفته هدف پژوهش کاربرد تحلیل عاملی در شناسایی شاخص های مؤثر در زیست پذیری محلات شهری است. ابتدا زیست پذیری از دیدگاه نظری و سپس ویژگی های مناطق شهر اصفهان مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان داد بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست پذیری تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح بندی انجام گرفته، محلات جلفا و رزمندگان دارای بیشترین سطح زیست پذیری هستند که علت قرارگیری این محلات در یک طبقه مشابهت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنهاست.

- سعیده علیجانی در رساله دکتری سال ۱۳۹۸ با عنوان تحلیل زیست پذیری شهری تهران نمونه موردی منطقه ۲۲ بیان نمود تحقیق در دیدگاهی جدید بر اهمیت شرایط محیط زیست در شهر زیست پذیر می پردازد. در بین مؤلفه های محیط زیست، اقلیم و شرایط آب و هوایی مهمترین و بیشترین نقش را بر ارتقاء کیفیت زیست پذیری دارد. نتایج تحقیق نشان داد ملاحظات محیطی در راستای ارتقاء کیفیت زیست پذیری و توسعه پایدار در طراحی فضاهای شهری از سوی طراحان، برنامه ریزان شهری و سازندگان در منطقه ۲۲ صورت نگرفته است.

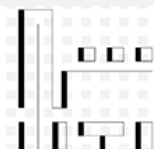
- سی. هیگنر و دیگران در مقاله سال ۲۰۲۲ با عنوان شاخص های فضایی مرتبط با خط مشی برای زیست پذیری و پایداری شهری: مقیاس از محلی به جهانی بیان نموده پژوهش چالش ها و درس های یک برنامه تحقیقاتی مشترک ۵ ساله را تشریح و یک گردش کار نرم افزاری را برای محاسبه شاخص ترکیبی زیست پذیری شهری نواحی مسکونی در سراسر ملبورن به ۲۱ شهر بزرگ استرالیا و ۲۵ شهر جهانی در زمینه های مختلف بسط می دهد. اندازه گیری شاخص فضایی مرتبط با خط مشی از محیط مصنوع و طبیعی، از برنامه ریزی شهری در تمام سطوح دولت حمایت می کند. تجزیه و تحلیل توزیع فضایی در داخل شهرها و تأثیرات آن بر افراد و جوامع، برای اطمینان از عادلانه بودن تصمیمات برنامه ریزی بسیار مهم است.

- شای پالگی در رساله دکتری دانشگاه کلرادو بولدر امریکا سال ۲۰۲۰ با عنوان دستیابی به زیست پذیری و کاهش مخاطره: ارتباط تصمیم گیری جابجایی با پیامد های نقل مکان جوامع پس از فاجعه، بیان نموده بسیاری دولت ها تلاش می کنند تا با نقل مکان جمعیت آسیب پذیر، خطرات آینده را کاهش دهند. تحقیق بر نقل مکان انبوه پس از فاجعه متمرکز، و مطالعه با مقایسه و پیوند اجرا و نتایج در سیزده جامعه جابجا شده در فیلیپین، پس از طوفان هایان در سال ۲۰۱۳، به این شکاف پرداخته. تحقیق بررسی کرد که چه شرایطی برای کمک به جابجایی موفق جوامع و زیست پذیری در ترکیب برای ارتقای یک محیط ساخته شده و اجتماعی مناسب ارائه شده است. نتایج، مفروضات متعارف را در مورد سرعت و مقیاس ترجیحی پروژه های نقل مکان و نحوه بهترین مدیریت انتقال ذینفعان جابجایی به چالش کشید.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱- زیست پذیری

طی چند دهه گذشته درک گسترده ای از زیست پذیری پدید آمده، از بسیاری جهات زیست پذیری می تواند طیف گسترده ای از موضوعات مربوط به کیفیت زندگی و رفاه افراد را در نظر دارد (Tan et al, 2016, p. 3). زیست پذیری، کیفیت زندگی، استانداردهای زندگی یا خوشبختی عمومی جمعیتی که در یک



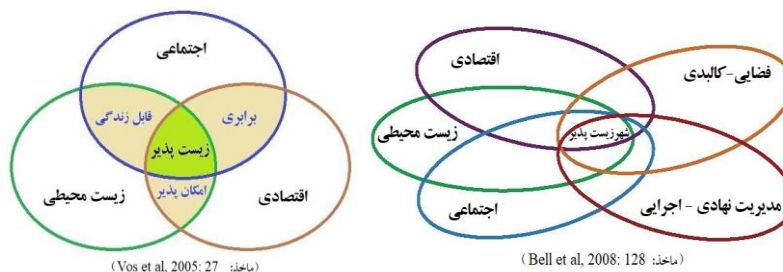
مکان مثل شهر زندگی می کنند تعریف می شود (Okulicz, 2013, p. 433). در فرهنگ انگلیسی اکسفورد (livability)، به معنای دارای ارزش زندگی و مناسب برای زندگی تعریف شده (Shamsuddin et al., 2012, p. 170). زیست پذیری علاوه بر نیاز به طراحی شهری که فرهنگ، سنت ها و تنوع اجتماعی را در نظر می گیرد، جامعه ای فعال و پایدار را تشویق می کند. (Mushtaha et al., 2020, p. 873). زیست پذیری کیفیت رابطه محیطی فرد است، اینکه چقدر محیط ساخته شده و خدمات موجود نیازها و انتظارات ساکنان را برآورده می کند. (Mouratidis, 2020, p. 266). و به سیستم شهری نسبت داده می شود که در آن سلامت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه شهروندان مورد توجه باشد. (صاحبی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۷۶). میزان زیست پذیری با نحوه و میزان مشارکت ساکنان آن شهر در تصمیم گیری برای برآوردن نیازهای خود تعیین می شود. (خضلولو و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۷). زیست پذیری از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است (مهره کش و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲). جوهره زیست پذیری یک شهر در فضای عمومی آن شکل می گیرد. (ثاقبی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۳۴۱). رتبه بندی زیست پذیری شهرها بر اساس دیدگاه های بهداشتی، فرهنگی، زیست محیطی، آموزشی و زیرساختی محاسبه می شود. (Saeed et al., 2022, p. 2). ساخت شهرهای زیست پذیر گامی مهم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و برآورده کردن آرزوی ساکنان برای زندگی بهتر است. (Tang et al., 2022, p. 1) و به عملکردهای مبتنی بر رفتار و تعامل بین مشخصه های زیست محیطی و شخصی نیز مرتبط می شود. (نیک پور و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۰). مفهوم زیست پذیری در کنار پایداری به عنوان یک شعار در گفتمان عمومی و برنامه ریزی است (Matthias Ruth et al., 2014, p. 19). که هدف توسعه ویژگی اجتماعی کالبدی دیدار همسایگی از انتظارات ساکنان است (Kotulla et al., 2019, p. 4). مرور تعاریف مشترکاتی چون تامین رفاه و رضایت ساکنین، کیفیت زندگی، تامین نیازها، دستیابی به زندگی مطلوب را نشان می دهد، و مجموعه ویژگی های عینی و ذهنی که جذابیت و مطلوبیت یک مکان را عرضه می کنند، زیست پذیری تلقی شده. (امویلر، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

۳-۲- زیست پذیری فضاهای شهری

فضای شهری چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود (پاکزاد، ۱۳۷۶، ص ۳۲). فضای شهری از مقوله فضا مستثنی نیست. بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیک شهر رابطه ای پویا با یکدیگر دارند و شامل دو فضای اجتماعی و فیزیکی می شود (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۸). فضای شهری صحنه ای است که داستان زندگی جمعی در آن بیان می شود فضایی است که به همه مردم اجازه می دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. (خادمی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲).

۳-۳- ابعاد زیست پذیری

دخاله مؤلفه های متنوع اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی از یک سو و برداشت های مختلف مردم از مفهوم زیست پذیری از سوی دیگر، سبب پیچیدگی و درک دشوار این موضوع شده است (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). ویلر نشان داد سه عنصر محیطی، اقتصادی، و اجتماعی اساس زیست پذیری را شکل می دهند (song., 2011, p. 5) سه بعد اصلی ذکر شده برای زیست پذیری کاملاً به یکدیگر وابسته بوده و از هم مستقل نیستند. به طور مثال سلامتی محیط نمی تواند در خوشبختی جامعه مورد معامله قرار بگیرد و یا برعکس (Stein., 2002, p. 4).



شکل ۱- ابعاد زیست پذیری ماخذ: (Vos et al, 2005 & Bell et al,2008)

بل و مورس توضیح می دهند که شاخص های زیست پذیری را می توان به چهار دسته تقسیم کرد: جنبه های اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، و نهادی (Morse et al., 2008, p. 128). به طور کلی، زیست پذیری به سه بعد وابسته به هم: اقتصاد، اجتماع و محیط زیست تقسیم می شود. اگر کارکرد هر یک از این سه با اختلال مواجه گردد، سکونتگاههای انسانی می توانند به سرعت دچار اضمحلال گردد. این ابعاد سه گانه طلایی اهدافی مانند بهره وری اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی را دنبال می کند (خراسانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵). سه بعد اصلی ذکر شده برای زیست پذیری کاملاً به یکدیگر وابسته بوده و از هم مستقل نیستند. به طور مثال سلامتی محیط نمی تواند در خوشبختی جامعه مورد معامله قرار بگیرد (علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۷).

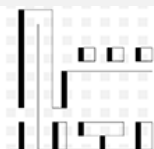
۴-۳- دیدگاه های همسو با مفهوم زیست پذیری

در چند دهه اخیر، تعدادی اقدامات برنامه ریزی و طراحی شهری جدید ظهور کرده اند که جهت گیری توسعه مدرن و رایج قرن بیستم را به چالش می کشند. پایداری، روستا شهری، کیفیت زندگی رشد هوشمند و نوشهرگرایی از جمله این مفاهیم هستند. مطالعه و تحلیل تعاریف و شاخص های ارائه شده در زمینه زیست پذیری نشان می دهد این مفهوم با مفاهیم و رویکردهای یاد شده همپوشانی دارد. جملگی به عنوان پاسخ هایی انتقادی به سیاست های شهری نامطلوب و اثرات جانبی منفی آن توسعه یافته اند و در کنار یکدیگر به پی ریزی مبنایی برای برنامه ریزی پایدار کمک می کنند. به عبارت دیگر همه پاسخی برای حل مسائل افت و زوال بخش مرکزی شهر هستند (larice., 2005).

۵-۳- الگوی توسعه شهر زیست پذیر

الگوی فوق مبتنی بر زندگی سالم شهروندان می باشد. در این الگو، می توان حرکت آسان پیاده، دوچرخه، حمل و نقل عمومی و حتی با اتومبیل زمانی که انتخاب دیگری وجود ندارد، داشت. شهر زیست پذیر، شهری است برای همه مردم بدان معنی که شهر باید جذاب، با ارزش، ایمن برای کودکان و سالمندان باشد نه فقط برای کسانی که در آنجا کسب درآمد می کنند و سپس در حومه و مناطق اطراف زندگی می کنند. (Hahlweg., 1997). شهرهای زیست پذیر مکان هایی برای زندگی اجتماعی، ارتباط و دیالوگ هستند این شهرها به خلق معماری، منظر خیابان و طراحی فضای عمومی توجه دارند حضور ساکنان شهر در قلمرو عمومی و در قلب شهر را تسهیل می کند. (Crowhurst et al., 1987, p. 3).

۶-۳- تحولات مرکز شهر در فرایند شهرنشینی شتابان

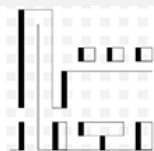


یکی از مباحث بنیادی در شکل‌گیری نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی معاصر در حوزه مطالعات شهری، اهمیت و تحولات عنصر یا مشخصه، مرکزیت در شهرها و بین شهرها بوده است. همواره بحث مرکزیت در مطالعات شهری از دو جنبه مورد تأکید و توجه بوده است، یک از حیث موقعیت مرکزی شهر (در سطح منطقه یا کشور) و دیگری شناسایی و مطالعه مراکز شهری و انواع کارکردهای آنها. در مطالعات شهری اهمیت ویژه‌ای برای هر دو جنبه یعنی هم موقعیت مرکزی و کانونی شهرها و هم برجستگی کارکردها و فعالیت‌های بخش مرکزی درون شهرها دیده می‌شود (شالین، ۱۳۷۲، ص. ۴۶) مرکزیت درون شهری در ساختار فضایی شهر نقش عمده‌ای دارد و معیار تعیین‌کننده نوع ساختار فضایی شهر بوده و قوت و ضعف مرکزیت می‌تواند کل ساختار فضایی شهر را تحت تأثیر قرار دهد. در فرایند شهرنشینی شتابان بعد از پیرامون، مرکز شهر دومین بخش شهر است که تحت تأثیر مستقیم تحولات ناشی از این فرایند قرار می‌گیرد. یکی از این تحولات، افزایش تراکم، ارزش زمین و رفت‌وآمدهای روزانه از مرکز به پیرامون است. نتیجه، تغییر الگوی سکونت و فعالیت در شهر است که به صورت‌های مختلفی نمایان می‌شود. (اسولیان، ۱۳۸۶، ص. ۹۱).

۳-۷- رویکرد زیست‌پذیری و نظریه توسعه پایدار

گرچه امروزه بعد از چندین سال از طرح مقوله پایداری، منتقدانی به تناقض در اصالت این موضوع صحبت‌هایی به میان می‌آورند، اما این پارادایم در حوزه‌های مختلف از قدرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و هنوز هم نظریات پیشرو در حوزه مسائل شهری، بسیاری از ایده‌های خود را مبتنی بر اصول پایداری شکل می‌دهند. لذا باید قبول کرد پایداری مسیری است که شهرسازی را به اهداف عالی‌تر سوق می‌دهد. دیدگاه پایداری در شهرسازی در سالیان اخیر در کشور ما مورد توجه قرار گرفته، لیکن به دلیل نگاه تمرکزگرایانه برنامه‌ریزی در کشور، هنوز در سطوح خردتر جامعه مثل محلات فرسوده شهری به طور جدی مورد ملاحظه قرار نگرفته است. پایداری به بهبود و حفظ توأمان آسایش و رفاه مردم و اکوسیستم بستگی دارد. این هم‌پیوندی بنیادین نظام انسانی به عنوان جزء مکمل اکوسیستم در طرح ساده و در عین حال (تخم مرغ پایداری) تشریح شده است. با توجه به تخم مرغ پایداری می‌توان اظهار نمود که مردم یکی از مکمل‌های اکوسیستم بوده و رفاه و آسایش یکی به آسایش دیگری بستگی دارد. از این رو می‌توان اظهار نمود توسعه پایدار متضمن حفظ و آسایش هر دو نظام بوده است. بنابر این رابطه میان شهر زیست‌پذیر و شهر پایدار کاملاً محرز است. (صباغی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸) اگر کیفیت زندگی را معادل زیست‌پذیری بدانیم، توانایی تقویت این کیفیت را می‌توان پایداری نامید. زیست‌پذیری قابلیت‌های یک مکان یا جامعه در پاسخگویی به نیازهای شهروندان فعلی خود بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای دستیابی به طیف گسترده از نیازهای انسان می‌باشد (Stein., 2002, p. 4) پایداری آینده‌نگری را درپیش دارد (رابطه انسان - محیط در آینده سازگار باشد)، زیست‌پذیری بر مفهوم (در اینجا در حال حاضر تمرکز دارد) (Van camp., 2003, p.11) و جوه زیست‌محیطی در شهر پایدار بسیار اهمیت دارد، حال آنکه در شهر زیست‌پذیر آستانه رضایت اجتماعی و ارزش‌های هویتی دارای اهمیت بیشتری هستند (بندرآباد، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۳).

۳-۸- شاخص‌های شهر زیست‌پذیر



انتخاب شاخص در زیست‌پذیری برای مطالعه وضعیت آن بسیار حیاتی و مهم می‌باشد. شاخص‌ها از یک سو ابزاری برای شناخت دقیق شرایط موجود در جامعه در یک مقطع زمانی هستند و از سوی دیگر نشان دهنده تصویر روندها و دگرگونی‌هایی که طی دوره مشخص رخ داده است. شاخصه‌های زیست‌پذیری براساس مطالعات مختلف عبارتند از آموزش و کیفیت آن، بهداشت و سلامت، مسکن مطلوب و متنوع، اقتصاد و اشتغال، امنیت، زیرساخت‌های شهری، دسترسی به نیازهای روزمره، حمل و نقل متنوع و مطلوب، کاربری‌های مختلف، عوامل فرهنگی و تاریخی، تراکم مردم و ساختمان‌ها، تنوع و خلاقیت، فضای سبز و پارک، پیاده‌محوری، پاکیزگی، کیفیت هوا و آلودگی، تفریح و فراغت، چشم‌اندازهای زیبا، تعامل اجتماعی و کرامت و هویت و حس تعلق به مکان. (محلوجی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۱).

۹-۳- ویژگی شاخص‌های سنجش زیست‌پذیری

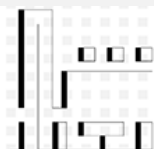
شاخص‌ها مدل‌هایی برای تسهیل درک یک موضوع پیچیده می‌باشند (وسیفال و دویلا، ۱۳۹۰، ص. ۳۳). شاخص زیست‌پذیری، سیستمی است که برای مانیتورینگ کیفیت زندگی در یک محیط و در یک بازه زمانی مشخص و با استفاده از معیارهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی. شاخص‌های زیست‌پذیری به شهروندان، سیاست‌گذاران و مجریان کمک می‌کند که میزان پیشرفت جامعه را در بهبود شاخص‌های اجتماعی نشان دهند. به منظور به دست آوردن شاخص‌های مناسب برای زیست‌پذیری یک سکونتگاه بهتر است این مفهوم را به عنوان یک سلسله‌مراتب از نیازها در نظر بگیریم که با نیازهای اساسی شروع و با نیازهای بالاتر تکمیل می‌شود. بررسی تاریخچه مطالعات نشان می‌دهد که نخستین تلاش برای سنجش زیست‌پذیری سکونتگاه بر مبنای بررسی وضعیت مسکن، آب، بهداشت، نور و هوا بوده. (علی‌اکبری و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۵). نکته مد نظر کاربرد شاخص‌های منفرد و شاخص‌های ترکیبی با یکدیگر است. بهره‌گرفتن از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بدون در نظر گرفتن پیوند بین آنها موجب نگرش تک‌بعدی و مشکلات عمیقی گردیده. (زنگنه و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۳۴).

۳-۱۰- مرور شاخص‌های زیست‌پذیری مورد استفاده محققان و جمع‌بندی از آنها

سه‌گروه اصلی شاخص که مورد استفاده اکثر محققان قرار گرفته عبارتند از شاخص عینی، شاخص ذهنی و شاخص رفتاری (شاهپوندی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵). از سوی شاخص‌ها به چهارگروه اصلی اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی قابل دسته‌بندی‌اند. بنا بر گفته مارثمن و لیدمبجر، اساس زیست‌پذیری ارزیابی مطلوب ساکنان از محیط زندگی‌شان است، از این رو مردم و مکان دوسوی قلمرو زیست‌پذیری هستند و زیست‌پذیری بر تجربه انسان از مکان تأکید کرده. مهمترین عناصر زیست‌پذیری در نواحی شهری براساس منابع ذکر شده عبارتند از: (فضاهای عمومی جذاب و قابل پیاده‌روی)، (سرعت، حجم و ازدحام کم اتومبیل)، (مسکن مناسب و معقول، باطراحی و قیمت مناسب)، (مدارس، مغازه‌ها و خدمات خوب و در دسترس)، (پارک‌ها و فضاهای باز در دسترس)، (محیط پاکیزه)، (چشم‌اندازهای متنوع، خوانا و زیبا)، (مکان‌های امن و قابل استفاده برای همه)، (مکان‌هایی با تأکید بر فرهنگ، تاریخ و اکولوژی بومی و محلی)، (تأکید بر جوامع و تعاملات انسانی) (ام ویلر، ۱۳۹۳، ص. ۱۲). ابعاد و شاخص‌های پژوهش حاضر در چارچوب ابعاد اصلی زیست‌پذیری بخش مرکزی شهر رشت با توجه به مطالعات مشابه به شرح ذیل می‌باشد.

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های پژوهش حاضر در چارچوب ابعاد اصلی زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت با توجه به مطالعات مشابه: ماخذ نگارنده ۱۴۰۲.

ابعاد	شاخص	گویه (سنجه)
اجتماعی	هویت و حس تعلق به مکان	۱. حس تعلق به محله ۲. تمایل به ادامه سکونت در محله ۳. احساس هویت
	اعتماد و مشارکت و همبستگی	۱. تمایل به حضور در مراسم مذهبی و اجتماعی ۲. مشارکت داوطلبانه در امور عمرانی ۳. اعتماد به تصمیمات شورای شهر و شهرداری
	تفریح و اوقات فراغت	۱. پارک خوب در محله ۲. فضای بازی امن و مناسب برای کودکان ۳. سینما ۴. کتابخانه در محله ۵. رستوران در محله ۶. فضا و امکانات مناسب ورزشی در محله
	امنیت فردی و اجتماعی	۱. احساس امنیت در فضای خصوصی ۲. احساس امنیت در فضای عمومی ۳. عدم وجود فضاهای متروکه و بایر ۴. میزان حضور پلیس
زیست محیطی	بهداشت عمومی	۱. آلودگی صوتی ۲. کیفیت جمع‌آوری زباله ۳. حیوانات موذی ۴. کیفیت شبکه فاضلاب و آب سطحی
	فضای سبز	۱. کیفیت فضای سبز ۲. تنوع فضای سبز ۳. سرانه فضای سبز
	فضای عمومی	۱. سرزندگی فضاهای عمومی ۲. زیبایی و روشنایی نورپردازی فضاهای عمومی ۳. جذابیت و کیفیت فضاهای عمومی ۴. کیفیت و زیبایی بصری نمای بناها ۵. مطلوبیت میلمان شهری
اقتصادی	اشتغال و درآمد	۱. میزان اشتغال ۲. رضایتمندی از شغل ۳. رضایتمندی از درآمد
	مسکن	۱. قیمت مسکن ۲. کیفیت مسکن ۳. قدمت مسکن ۴. توانایی بهسازی مسکن ۵. نوع مالکیت مسکن
	حمل و نقل عمومی	۱. رضایت مندی از دسترسی به حمل و نقل عمومی ۲. رضایتمندی از هزینه حمل و نقل عمومی ۳. رضایت مندی از کیفیت حمل و نقل عمومی
فضایی کالبدی	بهداشت و درمان	۱. در دسترس بودن درمانگاه و بیمارستان ۲. کیفیت خدمات درمانگاه و بیمارستان ۳. در دسترس بودن داروخانه ۴. رضایت از عملکرد اورژانس ۱۱۵
	امکانات و زیرساخت	۱. کیفیت ارائه خدماتی چون: آب، برق، گاز و خطوط تلفن ۲. امکانات و خدمات اینترنت ۳. تنوع کالا و خدمات ۴. وجود فروشگاههای زنجیره ای و بزرگ ۵. وجود بانک ها به تعداد کافی
	حمل و نقل	۱. مناسب بودن ساعت کار حمل و نقل عمومی ۲. مناسب بودن تعداد ایستگاه های حمل و نقل عمومی ۳. کیفیت مسیر پیاده رو ها ۳. کیفیت مسیر های حمل و نقل عمومی ۴. دسترسی آسان به بزرگراه و سایر محلات شهر



۳-۱۱- ساختار فضایی شهر

در بُعد جغرافیایی، ساختار فضایی حاصل فرایندهای تاریخی، کالبدی و شرایط متحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و متشکل از عناصر و عواملی است که چگونگی استقرار و نحوه ارتباط میان آنها را با درجه معینی از انتظام و ظرفیت عملکردی بیان می کند (داداش پور و دیگران، ۱۳۹۴. ص. ۶۷)، انتظام موجود در ساختار فضایی حاصل تأثیر نیروهای طبیعی و انسانی است (Small et al., 2001, p. ۲۵۰). ساختار فضایی شهر، الگوهای کاربری اراضی، فرم، شکل و طرح حوزه های شهری و نحوه توزیع فعالیت ها، عناصر و اجزای ترکیب دهنده شهر است (نظریان، ۱۳۷۰. ص. ۲۲). ساختار فضایی شهر توزیع نواحی مسکونی و فعالیت های اقتصادی در فضا است (Burgalassi et al, 2015, p. 135) توزیع فعالیت های اقتصادی در برخی موارد تنها تعیین کننده ی شکل شهر است هرچند ممکن است در ارتباط با نقل و انتقالات شهری نیز باشد، اما شکل و تعاملات شهری با یکدیگر تعیین کننده ی ساختار فضایی شهر است (Bourne., 1982, p. 36). ساختار فضایی شهر مجموعه ای مرکب از یک ستون فقرات و شبکه ای به هم پیوسته از کاربری ها و عناصر مختلف و متنوع شهری است که شهر را در کلیت آن انسجام می بخشد و تار و پودش در همه گستره شهر تا انتهای ترین اجزای آن یعنی محله های مسکونی امتداد می یابد (عبداللهی ترکمانی و دیگران، ۱۳۹۸. ص. ۲۸).

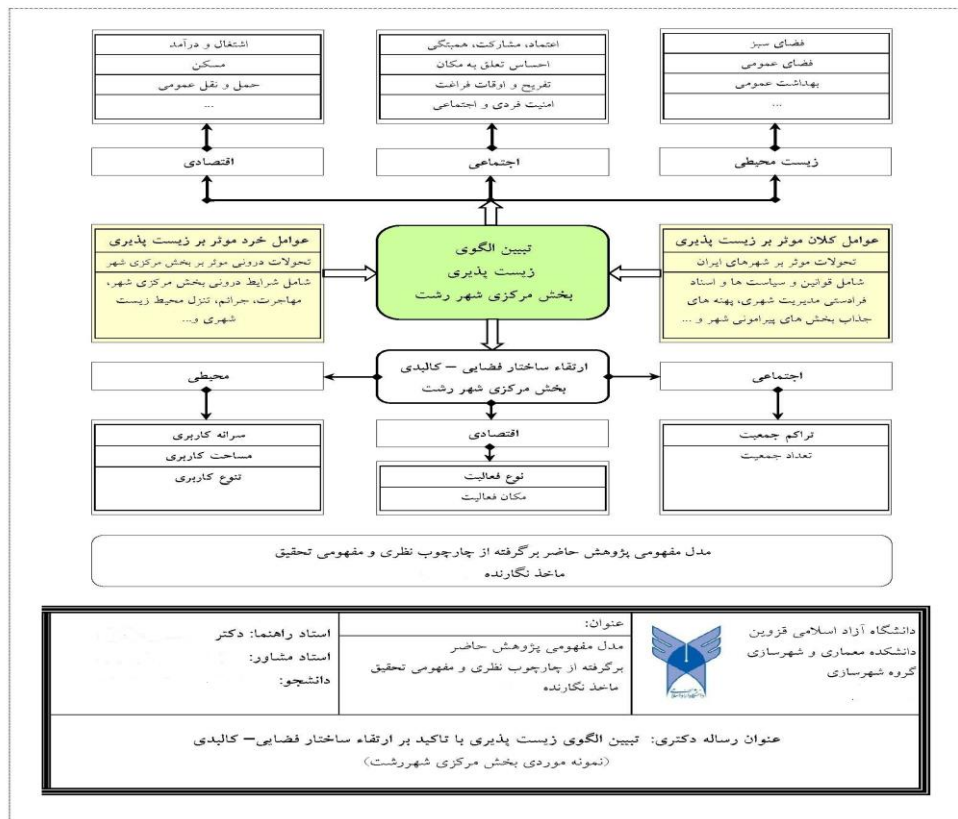
۳-۱۲- تبیین مفهوم محله

مفهوم محله در شهرنشینی قبل از اسلام وجود داشته و عوامل اجتماعی اقتصادی به ویژه طبقات مختلف اجتماعی، به طور عمده تعیین کننده مرزبندی محله مسکونی بوده. بعد از ورود اسلام به ایران تا دوره پهلوی اول مفهوم محله به عنوان یکی از عناصر اصلی ساختار فضایی و اجتماعی شهرهای ایران استمرار یافته و در مقیاس محلات روابط اجتماعی قوی بین ساکنان وجود داشته. (ثقه الاسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵). محله مفهومی کهن که در ایران همواره از جریانات کلان، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی موجود در شهرها تأثیر پذیرفته (معصومی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹). محله در قانون تقسیمات کشوری به مجموعه ساختمان های مسکونی و خدماتی، تعریف شده که ساکنان آن از لحاظ بافت اجتماعی خود را اهل آن محل می دانند. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۳۰). به اعتقاد لینچ، محله به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی و به روش های مختلف، فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می کند. به اعتقاد حبیبی محله ها ساخت و بافت اصلی شهر را تشکیل می دهند. عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله است (مفیدی شیمرانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۶).

۴- روش پژوهش

با امعان نظر به موضوع این پژوهش، تحقیق در جستجوی تبیین ویژگی ها و صفات و بازشناسی مفهوم زیست پذیری شهری به عبارت دیگر وضع موجود بخش مرکزی شهر رشت را بررسی و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی آن می پردازد و ویژگی ها و صفات آن را مطالعه و ارتباط بین متغیرها را بررسی خواهد نمود و به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می پردازد. لذا نوع تحقیق این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت علمی می باشد و با توجه به پیچیدگی موضوع، اطلاعات محدود و غیربومی در خصوص موضوع روش پژوهش آمیخته (کمی- کیفی) می باشد. در پژوهش حاضر برای بازشناسی مفهوم زیست پذیری در رابطه با ارتقاء ساختار فضایی کالبدی بخش مرکز شهر رشت، ازداده های آماری فضایی و غیرفضایی

هم استفاده می نماید و شناسایی سازوکارهای حاکم بر زیست پذیری و ساختار فضایی کالبدی بخش مرکزی شهر رشت در ارتباط با نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور ایران و منطقه مورد مطالعه به صورت اسنادی، مشاهده و مصاحبه انجام می گیرد تا تصویر کامل و عمیقی از عوامل کلان و خرد دخیل در زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت با رویکرد ارتقاء ساختار فضایی کالبدی پدید آید. در این پژوهش جهت دستیابی به اهداف مورد نظر پژوهش، پرسشنامه بر اساس ادبیات حاکم بر زیست پذیری استفاده گردید. که شامل پرسشنامه ساکنان قلمرو تحقیق و پرسشنامه مصاحبه خبرگان، متخصصان و مدیران (دخیل در امر شهر و برنامه ریزی شهری) بوده است. بر مبنای تئوری های فوق و شاخص های مطروحه آن، معیارهای زیست پذیری بخش مرکزی شهر در رابطه با ارتقاء ساختار فضایی کالبدی از طریق تحلیل نظری و محتوایی تئوری ها با هدف شکل دهی مناسب مباحث، مطابق مدل مفهومی ذیل خواهد بود.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش ماخذ: نگارنده ۱۴۰۲

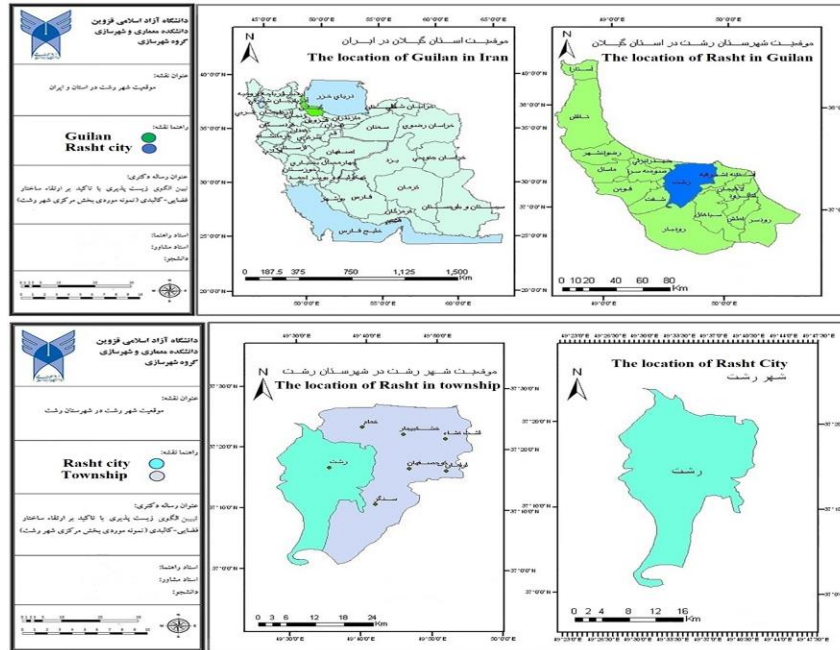
شهر رشت، مرکز استان گیلان و در ۴۹ درجه و ۳۵ دقیقه و ۴۵ ثانیه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و مساحت آن حدود ۱۰۲۴۰ هکتار می باشد. رودخانه زرجوب از جهت شرق و شمال شرقی و گوهررود از جانب جنوب و غرب، شهر رشت را در میان گرفته اند. فاصله رشت از تهران ۲۲۵ کیلومتر است (باباپور، ۱۳۸۹، ص. ۳۶). اولین آمار معتبر و قابل استناد از جمعیت رشت به سال ۱۳۳۵ ه.ش بر می گردد. سرشماری عمومی نفوس و مسکن این سال، جمعیت شهر را معادل ۱۰۹۴۹۱ نفر گزارش کرده است. طبق آخرین آمار منتشر شده توسط سایت مرکز آمار ایران که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ صورت پذیرفته است جمعیت شهر رشت به ۶۷۹۹۹۵ نفر رسیده است. (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۵ تا ۱۳۳۵).

۲-۴- محدوده مورد پژوهش

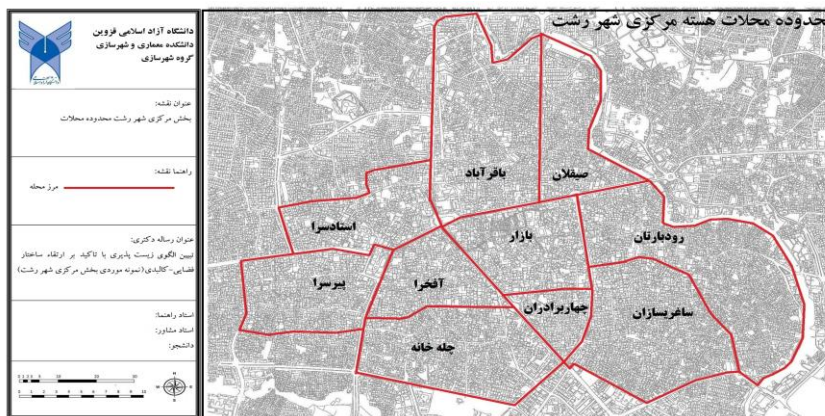
شهر رشت با جمعیت ۶۷۹۹۹۵ نفر و مساحت حدود ۱۰۲۴۰ هکتار، از ۵ منطقه شهری، ۱۵ ناحیه و ۵۵ محله تشکیل شده که ۱۰ محله بخش مرکزی شهر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت که عبارتند از محلات بازار، باقراآباد، پیرسرا، استادسرا، آفخرا، چله خانه، چهاربرادران، صیقلان، ساغریسازان، رودبارتان. محدوده مورد مطالعه این پژوهش بافت قدیم بخش مرکزی شهر رشت با مساحت تقریبی ۴۱۶ هکتار و جمعیت ۵۹۲۲۰ نفر است.

۲-۴- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری.

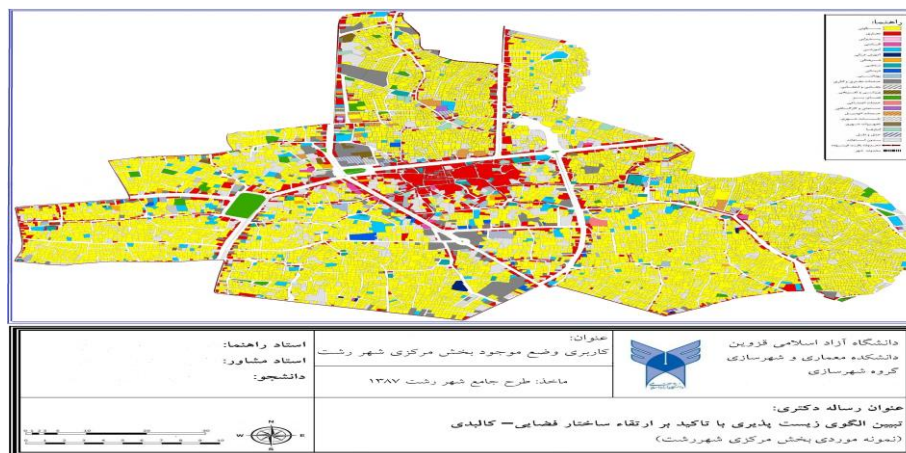
پس از محاسبه حجم کل نمونه ۳۸۲ نفر و تعداد به نسبت جمعیت از بین ساکنین ده محله بخش مرکزی شهر رشت تعداد سهمیه هر محله محاسبه و بطور تصادفی انتخاب گردید.



شکل ۲- نقشه موقعیت شهر رشت در ایران و استان و شهرستان ماخذ: نگارنده ۱۴۰۲.



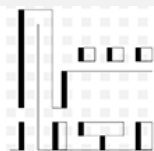
شکل ۳- نقشه محدوده محلات بخش مرکزی شهر رشت ماخذ: مطالعات بافت فرسوده شهر رشت ۱۳۹۳.



شکل ۴- نقشه کاربری وضع موجود بخش مرکزی شهر رشت ماخذ: طرح جامع شهر رشت ۱۳۸۸.

۴-۴- چگونگی روند توسعه شهر رشت و ارتباط آن با مسأله مورد پژوهش

شهر رشت در دوره صفویه و به علت شرایط و موقعیت ویژه ای که داشت به عنوان مرکز گیلان انتخاب شد. با اهمیت سیاسی، اداری و اقتصادی که از این دوره شهر رشت پیدا کرده بود رشد شهر نیز آغاز گردید. به عبارت دیگر این شهر در زمان شاه عباس واجد جنبه های شهری شد. او برای از بین بردن ملوک الطوایفی و سرکوبی دو ناحیه حاکم نشین گیلان (لاهیجان و فومن) به رشت که وضعیت آن برای تجارت فوق العاده مناسب بود مرکزیت بخشید و آنجا را حاکم نشین گیلان کرد و با افزودن به وسعت آن باعث شد که شهر از شکل قصبه خارج شده و به مکان تجارت ابریشم تبدیل گردد. نقش تجاری شهر به همراه مرکزیت اداری سیاسی، از عمده ترین عوامل توسعه شهر در قرن ۱۱ هجری قمری می باشد. مجموع اقدامات توسعه ای که در این دوره انجام شد منجر به شکل گیری استخوان بندی اولیه محلات و بازار شهر بود. شهر رشت در دوره قاجار اگر چه توسعه یافت ولی توسعه آن از نظر سطح، چندان قابل توجه نبود و بهتر است گفته شود که در داخل محدوده قدیم (دوره صفویه) اصلاحاتی بعمل آمد و خرابی ها ترمیم شد. بازار شهر در این دوره بیش از هر چیز جلب توجه میکرد، بطوری که قسمت اعظم شهر را بازار تشکیل می داد. در این دوره بازار و ارتباط آن با بندر پیربازار نقش اساسی در پویایی شهر رشت داشته است. بازار فعال و سرزنده شهر موجب رونق محلات شهر شده بود. پس از انقلاب مشروطیت و تسلط رضاخان، دولت مرکزی تنها تعیین کننده سبک معماری و شهرسازی قلمداد می شد. در این دوره چهره رشت بدلیل تغییراتی که در آن داده شده شکل تازه ای به خود گرفت. در آغاز کار پهلوی اول با احداث چند خیابان، شهر شکل دیگری بخود گرفت. احداث این خیابان ها موجب شد که شهر در مسیر آنها توسعه پیدا کند و بازار به حاشیه خیابان ها کشانده شود. ساختمان های مسکونی که در محلات قدیمی بصورت متراکم ساخته می شدند در احداث خیابان ها احداث گردید و متعاقب آن محلات جدید بوجود آمد. در فاصله سال های ۱۳۲۷ - ۱۳۰۴ شمسی توسعه شهر بیشتر در امتداد خیابان های امام و شریعتی ادامه یافت، زیرا در مسیر خیابان های فوق الذکر کارخانجاتی از قبیل بلورسازی، حریربافی، گونی بافی، یخسازی و همچنین بیمارستان ها و مدارس ساخته شد. در این دوره اولین طرح جامع شهر رشت تهیه شد و در آن، تغییرات محسوسی در شبکه معابر شهر داده شد. همان طور که پیش تر اشاره شد، با ازدیاد جمعیت و گسترش شهر و ورود ماشین، فضای مرکز قدیمی شهر و طرح فیزیکی آن



جوابگوی احتیاجات و وضع جدید نبوده و بناچار قسمت زیادی از احتیاجات جدید به بیرون از بازار و به اطراف خیابان های اصلی و جدید در امتداد شرقی غربی و شمالی- جنوبی رخنه کرده و منجر به تشکیل مراکز تجاری جدید در اطراف این خیابان های اصلی شده است. بنابراین سیاست های تجدد طلبانه دولت مرکزی و استفاده از سبک های خارجی در شهرسازی و معماری، ساختار کالبدی فضایی شهر رشت را دچار دگرگونی های اساسی کرد. در این دوره ساختمان های با کارکردهای تجدد طلبانه که جملگی نماد مدرنیسم هستند از جمله (ساختمان بلدییه، ساختمان تلگراف و پست، ساختمان هتل ایران، ساختمان استانداری) در بخش مرکزی شهر شکل گرفتند. همچنین ساخت کارخانجات در حاشیه خیابانهای جدید الحداث و مشاغل ناشی از آنها از جمله عوامل اساسی پویایی شهر در این دوره هستند. در این میان طرح های توسعه شهری نیز نقش مهمی در پویایی کالبدی فضایی محدوده مورد پژوهش داشته است، به طوری در اثر پیشنهادات طرح جامع اول، توسعه شهر به سمت شمال هدایت شد اما در طرحهای دوم و سوم جهت توسعه شهر بیشتر به سمت جنوب هدایت شد.

۵- بحث و نتایج

۵-۱- بررسی زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت

۵-۱-۱- بررسی و تحلیل بوسیله آزمون t تک نمونه ای، زیست پذیری چهار بعد اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، فضایی- کالبدی، محلات بخش های مرکزی شهر رشت

نتایج حاصل از جدول (۲) که برای تحلیل میزان ابعاد زیست پذیری محله های بخش مرکزی شهر رشت تهیه شده است نشان می دهد که میزان میانگین بدست آمده ۴ بعد از میانگین مفروض پایین تر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت محلات بخش مرکزی شهر رشت زیست پذیر نمی باشد. در بین ابعاد، بعد اجتماعی با میانگین ۲/۴۶۴ و دارای مقدار t ۱۴۰/۳۶۳ از وضعیت زیست پذیری بهتری نسبت به دیگر ابعاد برخوردار است و بعد زیست محیطی با میانگین ۲/۰۸۴ و مقدار t ۱۷۱/۳۷۱ وضعیت بحرانی تری نسبت به دیگر ابعاد را دارا می باشد. به عبارتی می توان گفت ابعاد محلات بخش مرکزی رشت نامطلوب تلقی می شوند. در این گروه از مؤلفه ها، همه آنها دارای سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ می باشند که تفاوت معنی داری بین هر یک از مؤلفه ها با میانگین مفروض می باشد.

جدول ۲. خروجی آزمون t تک نمونه ای چهار بعد اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، فضایی-کالبدی، زیست پذیری محلات بخش های مرکزی شهر رشت

وضعیت زیست پذیری	میانگین مفروض: ۳						بعد
	آمار توصیفی		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	
	میانگین مشاهده شده	تعداد نمونه					
نامطلوب	2.464	382	0.069	0.000	381	140.363	اجتماعی

نامطلوب	2.084	382	0.035	0.000	381	171.371	زیست محیطی
نامطلوب	2.225	382	0.058	0.000	381	150.368	اقتصادی
نامطلوب	2.419	382	0.063	0.000	381	173.897	فضایی- کالبدی

۲-۱-۵- بررسی و تحلیل بوسیله آزمون t تک نمونه ای، زیست پذیری کلی محلات بخش مرکزی شهر رشت

نتایج حاصل از جدول (۳) که برای تحلیل میزان زیست پذیری محله های بخش مرکزی شهر رشت تهیه شده است نشان می دهد که تعداد نمونه ی ما ۳۸۲ نفر و میانگین آن برابر با ۲/۳۰۳ و دارای مقدار t ۱۷۳/۸۹۱ است. بنابراین بین میانگین مشاهده شده با میانگین مفروض تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت با بررسی سطح معناداری (Sig) حاصل شده که کمتر از مقدار ۰/۰۵ به دست آمده است آشکار می گردد. بررسی میانگین نشان داد که میانگین مشاهده شده کمتر از میانگین مفروض است و این تفاوت از جنبه آماری تایید می شود ($P < 0.05$) بنابراین وضعیت زیست پذیری محله های بخش مرکزی شهر رشت در سطح نامطلوبی قرار دارند

جدول ۳. خروجی آزمون t تک نمونه ای در زیست پذیری کلی محلات بخش مرکزی شهر رشت

وضعیت زیست پذیری	میانگین مفروض: ۳						بعد
	آمار توصیفی		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	
	میانگین مشاهده شده	تعداد نمونه					
نامطلوب	2.303	382	0.052	0.000	381	173.891	زیست پذیری کلی

نتایج حاصل از جدول (۳) که برای تحلیل میزان زیست پذیری محله های بخش مرکزی شهر رشت تهیه شده است نشان می دهد که تعداد نمونه ی ما ۳۸۲ نفر و میانگین آن برابر با ۲/۳۰۳ و دارای مقدار t ۱۷۳/۸۹۱ است. بنابراین بین میانگین مشاهده شده با میانگین مفروض تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت با بررسی سطح معناداری (Sig) حاصل شده که کمتر از مقدار ۰/۰۵ به دست آمده است آشکار می گردد. بررسی میانگین نشان داد که میانگین مشاهده شده کمتر از میانگین مفروض است و این تفاوت از جنبه آماری تایید می شود ($P < 0.05$) بنابراین وضعیت زیست پذیری محله های بخش مرکزی شهر رشت در سطح نامطلوبی قرار دارند.

۳-۱-۵- بررسی و تحلیل با آزمون ANOVA واریانس یکطرفه زیست پذیری در بین محلات بخش مرکزی شهر رشت

جدول ۴. نتایج آزمون ANOVA تحلیل واریانس یکطرفه زیست پذیری در بین محلات بخش مرکزی شهر رشت

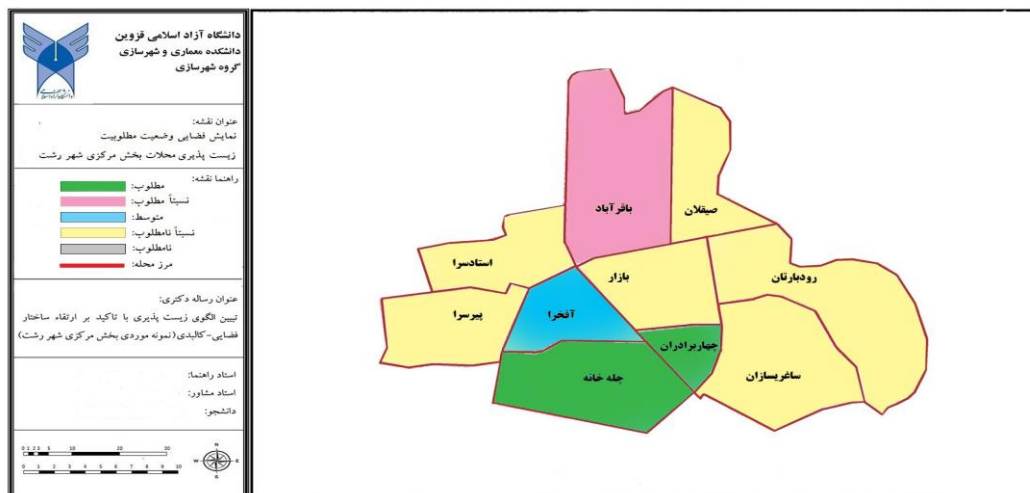
متغیر	منابع تغییرات	مجموع مربع انحرافات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مربع انحرافات (MS)	مقدار F	سطح اطمینان (Sig)
زیست پذیری	بین گروهی	53236.588	9	5915.206	207.673	0.000
	درون گروهی	10595.752	372	28.602		
	کل	63852.610	381			

همانطوری که در جدول (۴) ملاحظه می شود، سطح معناداری که در سطح ۵ درصد برابر با ۰۰۰/۰ شده است، بنابراین بدین وسیله مشخص می شود که بین ابعاد مختلف زیست پذیری در سطح محلات بخش مرکزی شهر رشت تفاوت معناداری وجود دارد. اما، اینکه تفاوت در کجاست و وضعیت زیست پذیری در سطح محله ها چگونه است، از آزمون تعقیبی توکی جدول (۴-۵) استفاده شده است که بیانگر کیفیت میانگین نمرات زیست پذیری در بین محلات می باشد که محلات را باتوجه به همگنی میانگین ها در طبقات مختلف دسته بندی می کند. مطابق با جدول (۵) همانگونه که مشاهده می گردد باتوجه به میانگین نمرات زیست پذیری، در حالت کلی محله رودبارتان با میانگین ۲/۰۷۱ نامطلوبترین و محله چله خانه با میانگین ۲/۷۸۷ مطلوبترین محلات باتوجه به زیست پذیری نسبت به یکدیگر می باشند.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی توکی کیفیت میانگین نمرات زیست پذیری در بین محلات بخش مرکزی شهر رشت

نام محله	تعداد نمونه	طبقات		
		نامطلوب	نسبتاً نامطلوب	متوسط
رودبارتان	67	2.071		
ساغریسازان	63	2.108		
پیرسرا	51		2.215	

			2.229		24	استادسرا
		2.265	2.265		11	بازار
		2.281	2.281		30	صیقلان
	2.330	2.330			22	آفخرا
	2.384				49	باقرآباد
2.686					9	چهاربرادران
2.787					56	چله خانه



شکل ۵- نقشه نمایش فضایی وضعیت مطلوبیت زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت (ماخذ: یافته های پژوهش ۱۴۰۲).

۴-۱-۵- تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسی ر ارتقاء ساختار فضایی کالبدی محلات بخش مرکزی شهر رشت

در این پژوهش برای بررسی تغییرات متغیر ارتقاء ساختار فضایی کالبدی به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای ابعاد سه گانه زیست پذیری به عنوان متغیرهای مستقل از رگرسیون چند متغیره بهره گرفته می شود. این آزمون میزان تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل بر ارتقاء ساختار فضایی-کالبدی را نشان می دهد. در این آزمون متغیر ساختار فضایی-کالبدی به عنوان متغیر وابسته و چهار بُعد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر

رشت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. پس از مشخص شدن رابطه ی معناداری میان شاخص ساختار فضایی-کالبدی به عنوان متغیر وابسته با شاخص های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به عنوان متغیر های مستقل به تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با متغیر ساختار فضایی-کالبدی پرداخته شود. در مرحله اول نتایج بدست آمده جدول (۶) از نظر ساکنان و تحلیل آن نشان می دهد که ساختار فضایی- کالبدی محلات بخش مرکزی شهر رشت با ابعاد زیست پذیری دارای ۰/۷۸۸ همبستگی می باشد. همچنین مقدار محاسبه شده برای F عدد ۲۰۶/۸۹۵ بیانگر این است که ترکیب خطی متغیرهای مستقل توانایی تبیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی را از دیدگاه ساکنان دارد.

جدول ۶- رگرسیون متغیرهای مستقل در ارتباط با متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی

Model	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R	ضریب تعیین تعدیل شده R	اشتباه معیار
3	0.788	0.622	0.618	2.746

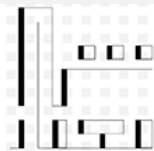
جدول ۷- معنا داری رگرسیون متغیرهای مستقل در ارتباط با متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی (ANOVA)

Model	مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری Sig
اثر رگرسیون	4681.915	3	1560.638	206.895	0.000
باقیمانده	2851.302	378	7.543	-	-
کل	7533.217	381	-	-	-

براساس ضریب استاندارد شده β تاثیر متغیر های مستقل بر متغیر وابسته نشان می دهد که تاثیر آماری معنا داری بر میزان ساختار فضایی- کالبدی دارند. همچنین متغیر اقتصادی با ضریب تاثیر ۰/۴۱۱۵ بیشترین و متغیر زیست محیطی با ضریب تاثیر ۰/۱۹۲۸ کمترین تاثیر را در ساختار فضایی-کالبدی محلات بخش مرکزی شهر رشت دارد. بنابراین ابعاد اصلی زیست پذیری اثرات مثبتی بر شکل گیری ساختار فضایی- کالبدی بخش مرکزی شهر رشت دارد.

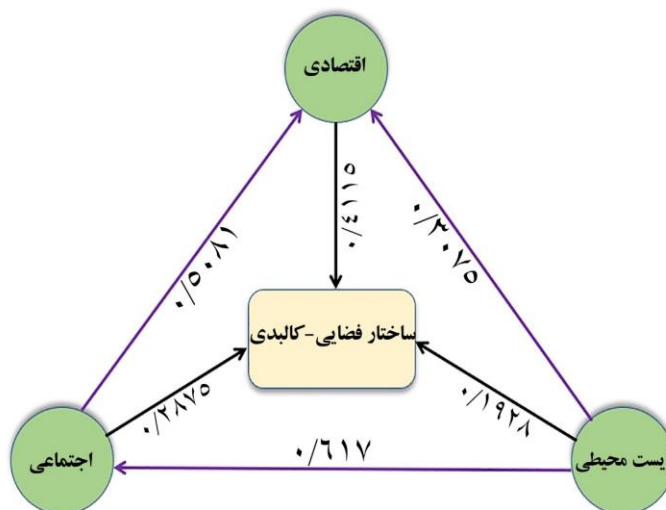
جدول ۸- ضرایب میزان شدت اثرگذاری متغیرهای مستقل در ارتباط با متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی (Coefficient)

Model	ضریب غیر استاندارد		t	سطح معنا داری Sig
	B	Std.Error		
عرض از مبدا	3.0957	1.3119	2.3596	0.000

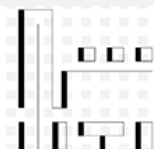


0.000	8.7662	0.4115	0.0601	0.5271	اقتصادی
0.000	6.1512	0.2875	0.0504	0.3105	اجتماعی
0.000	4.5132	0.1928	0.0665	0.3006	زیست محیطی

حال برای دستیابی به مدل نهایی و رسم دیاگرام مسیر متغیر اقتصادی که بیشترین ضریب تاثیر خروجی تحلیلی رگرسیونی را داشت به عنوان متغیر وابسته وارد مدل می شود. ضریب تعدیل شده نشان می دهد که ۵۴/۶ درصد تغییرات متغیر اقتصادی از طریق ترکیب خطی متغیرهای اجتماعی، زیست محیطی تبیین شده. در نهایت پس از سه مرحله تحلیل رگرسیون، پس از مشخص شدن ضرایب کلیه ی مسیرهای تفکیکی، نمودارهای قبلی با هم ترکیب و نمودار نهایی اثرگذاری متغیرهای مستقل ابعاد زیست پذیری بر متغیر وابسته ساختار فضایی-کالبدی محلات بخش مرکزی شهر رشت بر اساس پرسشنامه ساکنان به شرح ذیل است.



شکل ۶- نمودار نهایی تحلیل مسیر متغیر ساختار فضایی-کالبدی (ماخذ: نگارنده، ۱۴۰۲).

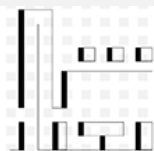


۲-۵- جمع بندی نظرات خبرگان، متخصصان و مدیران شهری درباره شاخص ها و عوامل خرد و کلان موثر بر زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت

بر اساس مصاحبه با ۳۵ نفر از خبرگان، متخصصان و مدیران شهری و بررسی و تحلیل نظرات آنان تاثیر، عوامل کلان زیرساخت و خدمات شهری با میانگین ۳/۶۳۵ بیشترین و عوامل کلان زیست محیطی با میانگین ۳/۱۰۸ کمترین تاثیر را بر زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت دارد. بر مبنای تحلیل نظرات فوق مباحث مهاجرت و شکل گیری طبقات اجتماعی با میانگین ۳/۹۷۱، توزیع ناعادلانه خدمات و امکانات شهری با میانگین ۳/۹۴۲، عدم جلب مشارکت شهروندان در تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای طرح توسعه شهری با میانگین ۳/۹۴۲ بیشترین تاثیر را بر زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر رشت دارد. همچنین بر مبنای بررسی نظرات برای سنجش زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت شاخص های اجتماعی با میانگین ۳/۹۵۲ بیشترین و شاخص های اقتصادی با میانگین ۳/۷۲۳ کمترین مطلوبیت را برای سنجش زیست پذیری بخش مرکزی شهر رشت را دارند.

۶- نتیجه گیری

یکی از اساسی ترین مسائل شهری درحال حاضر شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی در بخش مرکزی شهرهاست. دیدگاه مدرنیسم، جدایی‌گزینی کاربری‌ها، حومه نشینی، گسترش معابر و حمل و نقل اتومبیل‌محور، طرح‌ها و سیاست‌های مختلف شهری و ... عواملی بودند که به افت کیفیت محیطی، کاهش سرزندگی، کاهش رونق زندگی اجتماعی، زوال فیزیکی-کالبدی و کارکردی و دریک کلام افت زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهرها منجر شده است. براین مبنای امروزه رویکردهای مختلفی برای این شرایط مطرح گردیده که تاکید بر بخش درونی شهر و جلوگیری از رشد پراکنده را مورد توجه قرار می‌دهند. با امان نظر به قلمرو مکانی تحقیق حاضر که بخش مرکزی شهر است و مسائل آن همچون خروج جمعیت و نرخ رشد منفی این بخش نسبت به دهه‌های گذشته، بافت فرسوده و روبه زوال و عدم نوسازی بنا، ناامنی، مشکلات ترافیکی و دسترسی نامناسب و ...، زیست‌پذیری به عنوان زیرمجموعه‌ای از نظریه توسعه پایدار در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت. نظریه زیست‌پذیری شهری تمامی شرایط توسعه پایدار شهر را در بر می‌گیرد اما با این تفاوت که شهر زیست‌پذیر در اکنون اتفاق می‌افتد و در نهایت منجر به پایداری شهری در طول زمان می‌شود. مفهوم زیست‌پذیری شهر از برخورد سه محور اصلی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست خلق می‌شود. زیست‌پذیری اصول و شاخص‌های مختلفی از جمله فضاهای عمومی، کاربری مختلط، تنوع حمل و نقل، امنیت، مشارکت، هویت و حس تعلق به مکان، پیاده‌روی و ... را مورد توجه قرار می‌دهد. براین مبنای پژوهش حاضر زیست‌پذیری محلات بخش مرکزی شهر را در سه محور اصلی شناخت عوامل و زمینه‌های موثر بر وضعیت موجود زیست‌پذیری و پیامدهای فضایی-کالبدی را مورد توجه قرار داد. مروری بر مدل‌های ارائه شده در زمینه کیفیت محیط زندگی و رضایتمندی سکونتی نشانگر وجود اتفاق نظر در ضرورت کاربرد توأمان شاخص های عینی و ذهنی در بررسی و مطالعه تعامل فرد با محیط می‌باشد. شاخص های مورد مطالعه در چهار گروه اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و فضایی کالبدی قابل دسته بندی اند. بر اساس مباحث نظری مرتبط با علل موثر بر افت زیست پذیری این بخش، عوامل تولید و بازتولید آن را می‌توان به دو دسته عوامل کلان و خرد تقسیم نمود. نحوه ارتباط عوامل کلان و خرد در زیست پذیری با شناخت نیروهای پیش برنده ای که موجب زوال بخش مرکزی شهر می‌شوند، ارتباط دارد. نیروهای تغییر دهنده اصلی، زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند برای اتخاذ استراتژی مناسب در زیست پذیری بخش مرکزی شهر، نیاز است تا وضعیت آن، بدان گونه که هست شناخته شود و تنها اطلاعات فیزیکی بناها کافی نیست. داشتن اطلاعاتی درباره ترکیب و وضعیت گروه های اجتماعی-اقتصادی، تعداد و نوع مهاجرت ها به داخل یا

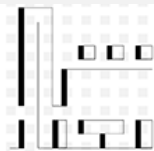


خارج از بخش مرکزی، میزان و کیفیت خدمات اجتماعی موجود، طرز تلقی و ذهنیت ساکنین برای اقامت در این بخش، سلیقه و علائق مردم در انتخاب محل زندگی و غیره کمک خواهند کرد تا راه حل های زیست پذیری محلات بخش مرکزی شهر را باز شناخت.

منابع و ماخذ:

- ۱- اکبری، نعمت اله؛ مویدفر، روزیتا (۱۳۹۶). تحلیل زیست پذیری در بافت فرسوده شهر اصفهان، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۲۱، ص ۳۳-۵۰.
- ۲- ایراندوست، کیومرث، عیسی لو، علی اصغر، شاهمرادی، بهزاد (۱۳۹۴). شاخص زیست پذیری در محیط های شهری (بخش مرکزی شهر قم)، ص ۱۰۲-۱۲۰.
- ۳- ام ویلر، استفان (۱۳۹۳)، برنامه ریزی برای پایداری ایجاد جامعه های زیست پذیر متعادل و اکولوژیک، ترجمه: محمود جمعه پور، شکوفه احمدی، انتشارات علوم اجتماعی، تهران.
- ۴- بندر آباد، علیرضا. (۱۳۹۰). شهر زیست پذیر از مبانی تا معانی، تهران، انتشارات آذرخش.
- ۵- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- براون، لستر (۱۳۸۱) اقتصاد زیست محیطی، انتشارات هوای تازه.
- ۷- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۶)، طراحی شهری چیست، مجله آبادی، ویژه طراحی شهری، ستل هفتم، شماره ۲۵، ص ۳۶-۳۰، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و شهرسازی معماری ایران.
- ۸- پور طاهری مهدی (۱۳۹۳) کاربرد روش های تصمیم گیری چندشاخصه در جغرافیا انتشارات سمت چاپ چهارم تهران
- ۹- عمید الاسلام ثقه الاسلامی، بهناز امین زاده (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کاررفته در مرحله ایرانی و واحد همسایگی غربی، هویت شهر شماره ۱۳، سال ۷، ص ۳۳-۴۵.
- ۱۰- ناقی، محمد؛ مافی، عزت اله (۱۴۰۱). ارزیابی سنجش زیست پذیری و عوامل موثر آن شهر بجنورد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۲۲، شماره ۶۷، ص ۳۳۵-۳۳۵.
- ۱۱- جیکوبز، جین (۱۳۹۸). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی پور و آروز افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۲- جعفری اسدآبادی، حمزه (۱۳۹۳) قابلیت زیست پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی کلا: نشر تهران)؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- ۱۳- حیدری، تقی. (۱۳۹۵). تحلیل زیست پذیری بافت های فرسوده شهری (مورد پژوهی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان). پایان نامه دکتری.. دانشگاه خوارزمی.
- ۱۴- حیدری، تقی، شماعی، علی (۱۳۹۶). تحلیل عوامل موثر بر زیست پذیری بافت فرسوده شهر (بخش مرکزی زنجان). فصلنامه فضای جغرافیایی، سال ۱۷، شماره ۵۷، ص ۱-۲۵.
- ۱۵- خضزلو، آرام و عابدینی، اصغر، (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی زیست پذیری در بافت جدید و قدیمی شهرها نمونه مورد مطالعه: شهر ارومیه، مطالعات شهری، ۱۱(۴۲)، ص ۳۵-۴۸.
- ۱۶- خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۱). تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری بارویکرد کیفیت زندگی شهر ورامین، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۱۷- رفعیان، مجتبی؛ حسین وو، علی (۱۳۹۰)؛ حکمرانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی، انتشارات طحان/یله
- ۱۸- زنگنه، مهدی؛ خاوری، عاطفی (۱۳۹۷). سنجش و ارزیابی زیست پذیری سکونتگاه های شهری مناطق مرزی، تربت جام، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۲، ص ۳۱-۴۶.
- ۱۹- سلیمانی مهرنجان، محمد، تولایی، سیمین، (۱۳۹۵). زیست پذیری شهری: مفهوم، ابعاد و شاخص ها، پژوهش های جغرافیا برنامه ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۱، ص ۲۷-۵۰.
- ۲۰- شالین، کلود (۱۳۷۲). دینامیک شهری. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

- ۲۱- شاهچراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۶). محاط در محیط کاربرد روان شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- ۲۲- احمد شاهپوندی، محمود قلعه نویی، (۱۳۹۴) بررسی ویژگی های کالبدی و اثرگذاری آن برسرزندگی و زیست پذیری محله های قدیم شهری، ص ۲۸-۱۳.
- ۲۳- شهنازی، یونس؛ انوری، محمود رضا (۱۴۰۱). تحلیل الگوی همبستگی بین ابعاد و شاخص های زیست پذیری شهر زاهدان، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۵۶، ص ۸۶-۶۷.
- ۲۴- صاحبی، مصطفی؛ فراهانی، مریم و مطهری، سعید، (۱۴۰۱). مدل سازی ساختاری عوامل موثر بر زیست پذیری کلان شهر کرمانشاه. جغرافیا و پایداری محیط، ۴۴، ص ۷۵-۹۰.
- ۲۵- صباغی، عاطفه، (۱۳۹۲) تدوین سازوکار بکارگیری بازآفرینی شهری در مواجهه با بافت فرسوده شهری. محله جولان شهر همدان؛ پژوهش شهری هفت حصار؛ شماره ۴؛ سال ۱.
- ۲۶- علی اکبری، اسماعیل، اکبری، مجید (۱۳۹۶). مدل سازی ساختاری- تفسیری عوامل مؤثر بر زیست پذیری کلانشهر تهران، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۱، شماره ۱.
- ۲۷- علیچانی، سعیده. (۱۳۹۸). تحلیل زیست پذیری شهری تهران نمونه موردی منطقه ۲۲. پایان نامه دکتری. دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه تهران. پردیس البرز.
- ۲۸- کوان، رابرت، (۱۳۹۵). فرهنگ شهرسازی، ترجمه بلارک، یلدا، انتشارات پرهام نقش، تهران.
- ۲۹- لینچ، کوین (۱۳۸۴) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰- قربانی، مهدی (۱۳۹۹). تحلیل اعتبارسنجی ابعاد زیست پذیری جامعه محلی (شهرستان قلعه گنج). مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران دوره ۲-۵۱، شماره ۲، ص ۲۴۴-۲۶۳.
- ۳۱- کویکی، افشین؛ پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۴). برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاری و شاخص ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
- ۳۲- مهره کش، ریحانه، صابری، حمید، (۱۴۰۱). شناسایی شاخص های مؤثر زیست پذیری محلات شهری (مناطق ۱، ۵، ۸ اصفهان). مجله جغرافیا و توسعه فضا شهر، سال ۹، شماره ۲.
- ۳۳- محلوچی، مهرداد؛ صابری، حمید (۱۴۰۰). ارزیابی عوامل زیست پذیری شهری در سکونتگاه غیررسمی، منطقه ۱۴ اصفهان. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ۱۰، شماره ۳۴.
- ۳۴- مفیدی شیمرانی، سید مجید؛ میرزائیان، پیوند. (۱۳۹۵) تبیین مدل توسعه پایدار محلات به منظور دستیابی به توسعه پایدار شهر: محله چیدر، فصلنامه معمار شهر، سال ۳، شماره ۹.
- ۳۵- معصومی، سلمان. (۱۳۹۰). توسعه محله ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ.
- ۳۶- ماجدی، حمید؛ بندرآباد، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی معیارهای جهانی و بومی شهر زیست پذیر، نشریه هویت شهر، سال هشتم، شماره ۱۷، ص ۷۶-۶۵.
- ۳۷- مدنی پور، علی، (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه ی فرهاد مرتضایی، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۳۸- نیک پور، عامر؛ یار احمدی، منصوره (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر زیست پذیری در شهر نورآباد ممسنی. فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، سال ۴، شماره ۲۳، ص ۲۷-۷.
- ۳۹- وسفال، ماتیو، ویکتوریا دوبلا (۱۳۹۰). شاخصهای شهری برای مدیریت شهرها، ترجمه همت مراد قلندری و امیر قادری و امیر حسین ممتازی، نشر دانشگاه علم و صنعت ایران.
- 1- Bell, S., & Morse, S. (2008). Sustainability indicators measuring the immeasurable? (2nd ed.). Earthscan
- 2- Francisco Benita, F., Kalashnikov, V., & Tuncer, B. (2020). A Spatial Livability Index for dense urban centers. Urban Analytics and City Science.
- 3- Higgs, C. et, al(2022). Policy-Relevant Spatial Indicators of Urban Liveability And Sustainability: Scaling From Local to Global, URBAN POLICY AND RESEARCH, 10.1080/08111146.2022.2076215, 1-14.
- 4- Kotulla, T., Denstadli, J. M., & Oust, A. (2019). What Does It Take to Make the Compact City Liveable for Wider Groups? Identifying Key Neighbourhood and Dwelling Features. Sustainability, 11, : 1-18
- 5- Ruth, M., Franklin, S. R. (2014). Livability for all? Conceptual limits and practical implications. Applied Geography, 49, 18-23.
- 6- Larice, M, Z (2005) "great neighborhoods: the livability and morphology high density neighborhoods in urban north America", PHD.
- 7- Mouratidis, K. (2020). Commute satisfaction, neighborhood satisfaction, and housing satisfaction as predictors of subjective well-being and indicators of urban livability. Travel Behaviour and Society, 21, 265-278.



- 8- Mushtaha, E., Alsyouf, I., & Al Labadi, L, (2020). Application of AHP and a mathematical index to estimate livability in tourist districts: The case of Al Qasba in Sharjah. Higher Education Press, 872-884.
- 9- Moser, G., (2009). Quality of life and sustainability: Toward person–environment Congruity, *Journal of Environmental Psychology*, 29, 351–357.
- 10- Urooj, Saeed. Et, al (2022). An Integrated Approach for Developing an Urban Livability Composite Index-A Cities’ Ranking Road Map to Achieve Urban Sustainability, *Sustainability Journal* , 14, 8755, 1-20.
- 11- Okulicz, A. (2012). City Life: Rankings (Livability) vs. Perceptions (Satisfaction). *Social Indicator Research*, 110, 433-451.
- 12- Oxford Johnson, R.T (1998), the dictionary of human geography edition oxford black well.
- 13- Palagi, Shaye (2020). ACHIEVING RISK REDUCTION AND LIVABILITY: CONNECTING RELOCATION DECISION MAKING TO OUTCOMES AT RELOCATION COMMUNITIES, A thesis submitted to the Faculty of the Graduate School of the University of Colorado in partial fulfillment of the requirement of the degree of Doctor of Philosophy, Mortenson Center for Global Engineering Department of Civil, Environmental, and Architectural Engineering.
- 14- Song yang (2011), a livable city study in china: using structural Equation models, thesis submitted in statistics, Uppsala university.
- 15- Stein , E .Kathleen(2002), COMMUNITYand Quality of Life, NATIONAL ACADEMY PRESS ,Washington, D.C
- 16- Setijanti et al(2015), Traditional Settlement Livability in creating Sustainable Living, *Procedia*
- 17- Shamsuddin et al ,Shuhana(2012), Walkable Environment in Increasing the Liveability of a City, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 50 (2012)
- 18- Tan. K. G , Tongxin Nie, Shinae Baek, (2016). Empirical assessment on the liveability of cities in the Greater China Region, *Competitiveness Review*, Vol 26 Iss 1 pp. 2-24. Emerald Group Publishing Limited 1059-5422.
- 19- Van camp et al, Irene (2003),Urban environmental quality and human well-beingTowards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, *Landscape and Urban Planning* 65(2003) 5–18.

The Concept Recognition of Livability with emphasis on raise of Physical – Spatial Structure (Case Study: Rasht City's Central District)

Mirnavid Mirhaghjou Komele¹, Shadi Pakzad², Vahid Bigdeli Rad³

- 1- PhD candidate , Department of Urban planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
- 2- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
- 3- Associate Professor, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Abstract:

Currently, urban centers, due to social, economic, environmental and physical issues, have become a place with various problems where life is difficult and wear and tear is not only a physical issue but also an economic and social process. With the aim of recognizing the concept of livability, this research has tried to investigate the current situation of the central part of Rasht city, study its features and attributes, and by systematically describing its current situation, explain the reasons and why of the problematic situation, its dimensions, and sustainable living conditions. Draw a human-centered and livable city for all its residents. The research method is practical in terms of purpose and causal in nature with extensive library and field studies. The general purpose of the research is to identify and analyze the existing livability of the neighborhoods in the central part of Rasht city and to understand the causes, processes and areas affecting the livability and the improvement of spatial and physical structure. Based on the findings of the research and data analysis, the average level of livability dimensions of the central part of Rasht city is lower than the assumed average. The social dimension with an average of 2.46 has a more favorable situation and the environmental dimension with an average of 2.084 has a more critical situation than other dimensions. According to the opinions of experts, specialists and city managers, the influence of macro factors of infrastructure and urban services with an average of 3.63 is the highest and macro environmental factors with an average of 3.10 have the lowest impact on the livability of the central part of Rasht city. Also, the social index with an average of 3.95 is the highest and the economic index with an average of 3.72 is the least favorable for measuring the livability of the central part of Rasht city. Pearson's correlation test showed that there is a significant and positive relationship between the independent variable of the three dimensions of livability and the dependent variable of physical-spatial structure. By analyzing the path of the independent variable on the dependent variable, it showed that the environmental variable with a coefficient of 0.625 and the economic variable with a coefficient of 0.411 have the least impact on the physical-spatial structure of the neighborhoods in the central part of Rasht city.

Keywords:

Urban Livability, The City's Central District, Neighborhood, Physical-Spatial Structure.